

مقاله وارده

سیر اندیشه حکومتداری پس از انقلاب اسلامی

مهندس مرتضی میرسلیم

مقدمه

درباره‌ی چگونگی اداره‌ی کشور و حل مسائل اجتماعی، دو دیدگاه کلان در مقابل هم قرار دارند. هر یک از این دیدگاهها شامل طیفی از نظریات و بنابراین گروههای مختلف می‌شود. یک دیدگاه، اساس را بر عرف بشری و مادی‌گرایی می‌گذارد و بنابراین دین را امری شخصی و میراثی فرهنگی تلقی می‌کند. بدون هر گونه سهم و جایگاهی در زمینه امور جمعی به ویژه سیاست و اداره‌ی کشور، حقوق انسانها فرامذهبی تلقی می‌شود و اعتقاد به آزادیهای عرفی برای بشر مبنا قرار می‌گیرد. نتیجه آن طبیعتاً تساهل بی‌قید و دگرپذیری افراطی است؛ رواداری ملاک اصلی تصمیم‌گیری و داوری و عمل می‌شود. در این دیدگاه حکومت مبتنی بر معیارهای عرفی است:

مردم‌سالاری و قراردادهای اجتماعی کلاً از دین جدا می‌شود. دارندگان این دیدگاه تمام عرف‌گرایان، ملی‌گرایان، نوگرایان عرف‌گرا و بخشی از سنت‌گرایان‌اند.

دیدگاه دیگر، دین حق را مبنای همه امور می‌داند؛ حکومت باید ماهیت و مشروعیت اساسی دینی داشته باشد؛ آزادی بیان و قلم مقید به حدود شرع باشد؛ مدارس و دانشگاهها از آلودگی به الحاد پاک شوند؛ نشست‌ن بر مسند مسئولیتهای اجتماعی پس از اعمال‌گزینش باشد؛ بر همه‌ی کالاهای فرهنگی نظارت شود؛ مجازاتهای اسلامی نسبت به تخلفهای ارتكابی اعمال گردد. دارندگان این دیدگاه آرمان‌گرایان فقاهتی به ویژه ناب‌گرایان اسلامی‌اند.

البته گروههای دیگری هستند که با حکومت دینی، به لحاظ سیراندیشه، برخورد



مبهم یا دوگانه داشته‌اند: گاهی مدافع ولایت فقیه بوده‌اند و گاهی، به ویژه اخیراً، جز به جمهوری بدون قید اسلامی و به مردم سالاری از نوع غربی تمایل نشان نمی‌دهند. بسیاری از نوگرایان دینی، روشنفکران دینی و اصلاح‌گرایان دینی و ملی‌گرایان مذهبی و شاید نوگرایان کلامی

از این دسته‌اند و نوعی نفاق جدید را نسبت به اسلام ناب تشکیل می‌دهند. چهره‌ی اصلی نفاق بعد از انقلاب در پیروان سازمان مجاهدین خلق ظاهر شد.

عرفگرایی در ایران در دوران پهلوی شکل اجتماعی یافت یا طرفداران زیاد پیدا کرد و آثار فرهنگی عمیق به جای گذارد. با

پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر وابستگان سیاسی نظام پهلوی و بخشی از دلبستگان

فرهنگی آن، کشور را ترک کردند و آنها که ماندند بیکار نشستند و از همان اوایل انقلاب اسلامی در برابر نضج گرفتن مجدد دین‌گرایی صف‌آرایی نمودند و به تحقیر و توهین و استهزاء پرداختند تا حکومت

ناگزیر آنها را تعطیل کرد و فعالیت‌هایشان در

محاق شد. در اواخر پنجمین دوره‌ی ریاست جمهوری با ورود دو روزنامه سراسری وابسته به بیت‌المال عمومی، به صحنه اجتماع، بار دیگر آن افراد و وابستگان

جدیدشان سر از لانه‌هایی که در آن خزیده بودند، بیرون آوردند. البته ابتدا در لباس نوگرایی دینی یعنی با استحاله نوگرایی عرفگرانه نوگرایی دینی و سپس به صورت فاش با مطرح کردن «دین عصری» و در نهایت کنار گذاشتن دین و هر آنچه از آن نشأت گرفته و شکل یافته است.

در این مقاله به یادآوری خلاصه محورهای اندیشه‌ای هر گروه بر مبنای مقالات و کتبی که منتشر کرده‌اند یا مواضعی که کتباً اتخاذ کرده‌اند، بعضاً با ذکر تاریخ یا نام فرد، می‌پردازیم؛ بدون تحلیل عملکرد آنها که گاهی در مقابل شعارها و اندیشه‌های ابراز شده‌شان قرار می‌گیرد.

۱- عرف بشری

در این طیف سه محور اصلی را می‌توان طرح کرد: محور قومگرایی، محور تجدد، محور پسانوگرایی. بسیاری از گروه‌های وابسته به این طیف متأثر از مادی‌گرایی‌اند.

۱-۱- محور قومیت

اندیشه‌ی محوری آن اصالت اکثریت آرای مردم، توجه به افکار عمومی و اعتبار انحصاری قائل شدن برای فرهنگ ملی است. در این محور هفده گروه فعالیت

نمودند و سی و دو نشریه چاپ کردند. ریشه‌ای و بنیادگرایانه و ضد دینی بود. مهم‌ترین گروه‌های آن جبهه ملی و جبهه دموکراتیک ملی بودند.

۲-۱- محور تجدّد

اساس تجدّد بر رواج محصولات فناوریهایی بعد از انقلاب صنعتی در اروپا، یعنی دویست سال گذشته، است. این محصولات گاهی آنچنان افراد را مفتون می‌کرد و می‌کند که به مشکلات هویتی می‌انجامد. مکتب فکری وابسته بدان را با واژه‌ی نوگرایی می‌شناسیم. در این محور چند شاخه از هم قابل تفکیک است: مداخله متعهدانه دولت جامعه‌گرا، توسعه طبیعی و آزاد جامعه، ترکیب‌هایی از دو راه حل قبلی، تجدّد بومی گرایانه، تجدّد سنت گرایانه.

۱-۲-۱- شاخه معتقد به مداخله متعهدانه دولت جامعه‌گرا

در این شاخه جمعاً ۳۹ نشریه را دهها گروه مختلف به چاپ رساندند که بیانگر افکار سیاسی اجتماعی شان بود.

۲- متهم کردن فضای قبل از سال ۱۳۶۹ به «بادیه‌های درشتناک یکسونگری و گریوه‌های هولناک خشک اندیشی»؛

۳- گشودن فصل جدیدی از فرهنگ به دست

۱- اعتقاد به اصالت ماده (ماتریالیسم) و نفی اصالت جهان غیرمادی و الهی و اخروی؛

۲- ارزیابی مذهب به عنوان پدیده‌ی فرهنگی و عمدتاً روبنایی از مناسبات تولید.

۱-۲-۲- شاخه معتقد به توسعه طبیعی و آزاد جامعه

اباحی‌گری و ویژگی عمده‌ی اندیشه در این شاخه است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پایگاهشان روزنامه‌های آیندگان و بامداد و پیغام امروز بود. پس از سالهای بحران و جنگ، اندیشه‌های این شاخه در قالب نشریاتی بارز شد:

الف- کلک از سال ۱۳۶۹ منتشر شد. گردانندگان اصلی آن کسری حاج سید

جوادی و علی دهباشی بودند. اندیشه‌های عمده‌ای که مدعی آن اند یا مطرح کرده‌اند:

۱- خدمت به فرهنگ ایران به مدد دوستداران فرهنگ ایران، زبان فارسی، و معارف اسلامی؛

۲- متهم کردن فضای قبل از سال ۱۳۶۹ به «بادیه‌های درشتناک یکسونگری و گریوه‌های هولناک خشک اندیشی»؛

۳- گشودن فصل جدیدی از فرهنگ به دست

- به اصطلاح نخبگان فکری و فرهنگی ایران گرا، عرف گرا، نوگرا؛
- ۴- موضوع روشنفکران و احساس غربت و دل‌بستگی مبهم به گذشته و سنت و مغایرت آن با توسعه فرهنگی - ۱۳۷۰؛
- ۵- اهمیت جایگاه نهادهای تحقیقاتی و ضرورت انتقاد از فرهنگ و جامعه ایران- ۱۳۷۳؛
- ۶- بررسی انتقادی وضع مطبوعات ایران و ادعای افسردگی مطبوعات کشور - ۱۳۷۵.
- ب- **ارغوان** از سال ۱۳۶۹ منتشر شد. گرداننده آن: محسن سیدعباسی. ادعاها و اندیشه‌های عمده‌ی آن:
- ۱- ضرورت نقد و گرایش به اباحه‌گری
- ۲- نقد غرب ستیزی و نظریه توطئه
- ۳- نقد آثار و اقدامات فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۴- مسائل و بحرانهای معرفت‌شناختی در دین، ادعای ناتوانی دین در پاسخگویی به همه مسائل، تأکید بر محوریت انسان.
- ج- **نگاه نو** از سال ۱۳۷۰ منتشر شد. گردانندگان آن: محمدتقی بانکی و خشایار دیهیمی. انتقادات و اندیشه‌های عمده‌ی آن:
- ۱- دفاع از تکثرگرایی و تعامل فرهنگی؛ نقد مخالفت با غرب،
- ۲- تأسف از جای خالی ترانه و سرگردانی هنر موسیقی بعد از انقلاب؛ ادعای افراط نظام طاغوت و تفریط جمهوری اسلامی در زمینه موسیقی؛
- ۳- نقد نظریه توطئه.
- د- **دنیای سخن** در دهه ۶۰ ظاهر شد. گرداننده‌ی اصلی آن: شاهرخ تویسرکانی. ادعاها و اندیشه‌های عمده‌ی آن:
- ۱- ترویج گفتمان عرفگرا و نوگرا، فرامذهبی، اباحی‌گرا؛
- ۲- توسعه فرهنگی، به معنای گذار از سنت به تجدد، ترکیبی متداوم از کهنه و نو و اقتباس از تمدن علمی و جدید غرب - ۱۳۷۰؛
- ۳- دفاع از مطبوعات آزاد و مستقل، به دور از تولید، مداخله و نظارت؛
- ۴- مطرح کردن ایدئولوژی و ناشکیبایی و خشونت به عنوان موانع مردم‌سالاری در ایران؛ ادعای تعارض جدی روشنفکری و تعهد؛
- ۵- تخطئه موضوع خودی و غیرخودی.
- ه- **آدینه** در دهه ۶۰ منتشر شد. گرداننده‌ی اصلی آن: غلامحسین ذاکری. نقدها و اندیشه‌های عمده‌ی آن:
- ۱- ضرورت حذف بررسی کتاب و ممیزی، انتقاد از جایگاه زن در سینما؛
- ۲- جستجوی معنا و هویت در میراث و ادبیات ملی و نه در شریعت و مذهب.

- و- گفتگو در سال ۱۳۷۲ ظاهر شد. گرداننده‌ی آن: رضا تقفی. ادعاها و اندیشه‌های عمده‌ی آن: ترویج عرفگرایی و نوگرایی با جنبه علمی حرفه‌ای.
- ۱- ضرورت توسعه سیاسی- فرهنگی پا به پای توسعه اقتصادی؛
- ۲- لزوم همزیستی و گفتگوی فرهنگها؛
- ۳- نقد گفتمانهای روشنفکری دینی و ضرورت تفکیک دین از حکومت؛
- ۴- نقد روشهای گفت و گوی نخبگان مذهبی، سکولار و روشنفکر با یکدیگر؛
- ۵- معرفی هویت ایرانی به صورت ترکیبی از ملیت، اسلامیت و تجدد- ۱۳۷۲.
- ز- **آیین‌های اقتصاد و آیین‌های اندیشه**، در سال ۱۳۶۹ منتشر شدند. گردانندگان آنها: جلیل رضایی و محمدمحسن سازگارا. اندیشه‌ی عمده‌ی آنها:
- ۱- ادعای پایان یافتن دوره‌ی رهبری فرهمند- ۱۳۷۰؛
- ۲- طرفداری از مدیریت علمی به جای مدیریت دینی.
- ح- **ارغنون** در سال ۱۳۷۳ ظاهر شد. گرداننده‌ی آن احمد مسجد جامعی. اندیشه عمده‌ی آن:
- ۱- تبلیغ عرفگرایی و نوگرایی؛
- ۲- ضرورت غرب شناسی.
- ط- **جامعه‌ی سالم** در دهه‌ی ۷۰ انتشار یافت. گرداننده‌ی آن سیاوش گوران. اندیشه عمده‌ی آن: ترویج عرفگرایی و نوگرایی با جنبه علمی حرفه‌ای.
- ی- **صفحه اول** در دهه ۷۰ منتشر شد. گرداننده‌ی آن محمود عسگریه. اندیشه عمده‌ی آن:
- دفاع از اطلاع رسانی باز.
- یادآوری:** جریانهایی که پس از خاتمه جنگ ظاهر شدند، به تدریج التهایی را در جامعه ایجاد کردند. یکی از جلوه‌های این التهاب برای مثال طرح روی جلد مجله گردون (به مدیریت عباس معروفی) در سال ۱۳۷۰ بود که روزنامه سلام بعد از جنجالی که ابتدا علیه آن طرح برپا شد، به دفاع از آن پرداخت.
- جلوه‌ی دیگر التهاب را در بیانیه دفتر مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاهها مشاهده می‌کنیم که درباره‌ی انحرافات اندیشه‌های آقای سروش صادر شده بود.
- ۱-۲-۳- **راه‌حلهای ترکیبی**
- بین اعتقاد به دولت جامعه‌گرا و اعتقاد به اباحی‌گرایی، راه‌حلهای مختلف دیگری نیز مطرح شدند، همچون ملی‌گرایی و نوگرایی غیردینی که اوج فعالیت آنها به سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد. مهم‌ترین ادعاهای آنها بدین



شرح در همان نشریات فوق‌الذکر مطرح شده است:

الف) ملی‌گرایی

۱- در مجلس شورای اسلامی نمی‌توان امیدی به واقع‌گرایی و درک درست از مسائل جهان امروز و باریکیهای زمان و اطلاع عمیق به مسائل قوانین اجتماعی داشت؛

۲- در قالب افکار جزمی و انتزاعی بدون توجه به آنچه در خارج می‌گذرد، نباید باسرنوشت یک ملت و یک انقلاب سرگرم شد؛

۳- ضرورت جدایی دین و حکومت و

شخصی بودن عقیده‌ی دینی میان انسان و خدای خود؛ ضرورت مبتنی‌شدن امور سیاسی و حکومت بر قراردادهای اجتماعی و نه عقاید شخصی و گروهی (علی‌شایگان)؛

۴- تأکید بر رفع تبعیض از زنان، آزادی فکر و عقیده و بیان و احزاب، لغو ممیزی از

برنامه‌های رادیو و تلویزیون، خودمختاری خلقها؛

۵- هیچ‌کس نباید زنان را به داشتن حجاب مجبور کند (متین دفتری - ۱۳۵۷).

ب) نوگرایی غیردینی

در اندیشه آنها تأکید بر عناصری مانند

امروزی‌نگی، مدرنیسم، دنیای جدید، معاصریت، نبودن، آزادی، مردم، تغییرات، پیشرفت، پویایی، رو به آینده بودن، تنوع،

اندیشیدن، بیدارشدن و حقوق زنان ملاحظه می‌شود:

۱- نفی تعصب و قشری بودن و سکتاریسم مسلکی و مذهبی؛

۲- معرفی انقلاب به عنوان حرکتی که در آن مردم ایران صاحب هر عقیده و مسلکی، بیدار شده و علیه امپریالیسم و استبداد و برای نوسازی جامعه به پا خاسته‌اند؛

۳- دفاع از ضرورت ادامه انتقاد سازنده‌ی مثبت برای لغو همیشگی ممیزی، و دفاع از آزادی اندیشه و بیان؛

۴- این ادعا که فاشیسم عریان در می‌کوبد، فاشیسم از لانه بیرون خزیده، نفس تند فاشیسم سراسر کشور را آلوده کرده، و اینکه تنها راه سرکوب فاشیسم وحدت تمام نیروهای آزادیخواه است (۱۳۵۸ - پیغام امروز)؛

۵- خیانت نامیدن سکوت در مقابل نهادی شدن هر نوع محدودیت برای مطبوعات؛

۶- انتقاد به وجود شورای نگهبان: «چه دلیل دارد که چهار تن بیرون از قلم و اراده‌ی مردم خود را قدرت برتر برای پاسداری از قانون اساسی بدانند؟»؛

۷- ادعای اینکه انحصارطلبی مذهبی - ایدئولوژیک گروه‌هایی خاص بعد از پیروزی سبب سوق یافتن جامعه به وضع اسفناک و

- انفجار آمیز شده است و دفاع از ضرورت تفکیک دین از سیاست (۱۳۵۸-آیندگان)؛
- ۸- تخطئه روحانیت وقتی با هویت خاص صنفی و به عنوان مفسران رسمی ایدئولوژی اسلامی در رأس حکومت قرار گیرند؛
- ۹- ردّ مراجعه به یک چارچوب رسمی برای همه سیاستها و قوانین و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی (حسن نزیه)؛
- ۱۰- ادعای اینکه اسلام، آیین ۱۴۰۰ سال پیش در عربستان بود و گوهر دینی آن نیز امروز فقط کارکردهای خاص می‌تواند داشته باشد ... و نمی‌تواند راهنمای عمل مشخصی برای اداره‌ی کشور در جهان کنونی و جوامع پیچیده‌ی اواخر قرن بیستم قرار گیرد؛
- ۱۱- تخطئه آنچه به عنوان فاجعه اجتماعی می‌تواند تلقی شود: «سپردن کار و اداره‌ی امور به دست مذهب‌یون در تمام شئون مملکتی»؛
- ۱۲- تخطئه پایه‌گذاری نظام دنیایی امروز براساس نظریه مقلد و مجتهد، که مدعی می‌شود بازگشت به حکومت مطلقه، استبدادی است؛
- ۱۳- شعار آزادی مذهب آری، اما آزادی در چارچوب مذهب نه؛
- ۱۴- ادعای اینکه دموکراسی در حکومت دینی تحقق‌ناپذیر است و در نظام مردم بر مردم چاره‌ای جز جدایی دین از سیاست نیست؛ سیاست علم است، دین نیست؛
- ۱۵- مطرح کردن اینکه فرهنگ جامعه نباید در چارچوب ایدئولوژی اسلامی تعریف و بر آن نظارت شود، بلکه باید براساس الگوی کثرت‌گرایی عمل شود؛
- ۱۶- ادعای ارتجاعی بودن حکومت دینی تحت نظر روحانیان و تضاد آن با مبانی تجدد مانند دموکراسی، ملیت، مدنیت، توسعه، نواندیشی و حقوق و آزادیهای فکری، فرهنگی و هنری؛
- ۱۷- ادعای اینکه انقلاب حاصلی جز انتقال چکمه به دستار و ریش برای ملت نداشته است؛
- ۱۸- تخطئه طرح و تصویب ولایت فقیه در قالب جمهوری اسلامی، به علت تعارضات و تضاد ماهوی و شکلی در بین دو مفهوم [ولایت فقهی، و جمهوریت دموکراتی] که موجب اشکالات فراوانی در مراحل اجرا خواهد شد.
- ۱-۲-۴- تجدّد بومی گرایانه**
- احسان نراقی اندیشه تجدّد بومی گرایانه را از سال ۱۳۴۷، بر مبنای نقد تمدن صنعتی غرب



- آغاز می‌کند. نکات شاخص اندیشه او:
- ۱- سرمشق پرومته‌ای فناوری جدید- ۱۳۴۷؛
 - ۲- مخاطرات موجود در تمدن جدید بر ضد انسان و طبیعت- ۱۳۴۸؛
 - ۳- تهدیدهای کمین کرده نسبت به شخصیت فرد، معنویت آدمی، خانواده و معنای لذت بخش زندگی، در تمدن غرب- ۱۳۴۸؛
 - ۴- بیراهه تمدن جدید، چه در الگوی غربی و سرمایه‌داری و چه در الگوی شرقی و سوسیالیستی- ۱۳۴۸؛
 - ۵- از تجدّد غربی باید به طور اساسی و ریشه‌ای انتقاد شود- ۱۳۵۵؛
 - ۶- شرق با آن همه قابلیت‌های نور و روشنی، باید از سرنوشت غربت غرب عبرت بگیرد- ۱۳۵۲؛
 - ۷- تجدّد غربی نسخه جهان شمول نیست، هجوم فرهنگی غرب یک واقعیت است- ۱۳۷۱؛
 - ۸- به جای غرب ستیزی و غرب زدگی باید به غرب شناسی و اقتباس آگاهانه از آن روی آورد- ۱۳۵۵؛
 - ۹- تنها راه نجات هر دو طرف، همکاری و گفتگوی شرق و غرب است- ۱۳۴۸؛
 - ۱۰- فنون و تخصص‌های غربی بدون فرامعرفت انسانی و تأملات فلسفی به بحران و بیراهه می‌انجامد- ۱۳۴۷؛
 - ۱۱- کمیت‌گرایی و علم‌گرایی و اصالت روش آماری به بحران علوم اجتماعی منجر شده است- ۱۳۵۲؛
 - ۱۲- لزوم بومی کردن و متناسب ساختن علوم و فنون جدید با فرهنگ و جامعه خودی- ۱۳۵۵؛
 - ۱۳- هشدار نسبت به فرار مغزها- ۱۳۴۸؛
 - ۱۴- پیش‌بینی احتمالی بروز تشنج و انقلاب- ۱۳۵۰؛
 - ۱۵- ضرورت توجه به کیفیت زندگی پایه پای پیشرفت و توسعه کمی- ۱۳۵۵؛
 - ۱۶- برخاستن موج هویت‌خواهی در برابر غرب- ۱۳۵۵؛
 - ۱۷- دین در آسیا دارای معنای فربه‌تری از دین در غرب است- ۱۳۵۴؛
 - ۱۸- نه لیبرالیسم و نه مارکسیسم نمی‌توانند الگوی کارآمدی برای جامعه ایران باشند- ۱۳۵۶؛
 - ۱۹- نه فراماسونها، نه مارکسیستها، و نه تکنوکراتها قادر به ارائه الگویی مناسب برای اداره‌ی کشور نبوده‌اند- ۱۳۵۴؛
 - ۲۰- نقد طرح متجددسازی حکومت پهلوی و ریشه‌های انقلاب اسلامی و تنها راه چاره در حال حاضر (تقویت جامعه مدنی) - ۱۳۷۲.

- ۱-۲-۵- تجدّد سنت گرایانه
 داریوش شایگان مدافع این اندیشه است با مطرح کردن نکاتی مانند:
 ۱- اهمیت جهانی و تاریخی تجدّد غرب؛
 ۲- در انتقاد از غرب باید محتاط بود؛
 ۳- در عین حال باید از تجدّد غربی فاصله گرفت و انتقاد کرد؛
 ۴- نیاز به معنویت و سنتهای آسیایی- ایرانی؛
 ۵- ضرورت جمع میان نوگرایی و سنت (دل با شرق و سر با غرب)؛
 ۶- هشدار نسبت به مخاطرات بازگشت به مذهب؛
 ۷- مطرح کردن آفات ایدئولوژیک شدن دین؛
 ۸- پذیرش و دفاع از دین در محدوده‌ی خصوصی؛
 ۹- مطرح کردن معنویت و عرفان، به عنوان جایگزینی برای شریعت؛
 ۱۰- ضرورت نقد عالم سیاست.
- ۳- تبلیغ پذیرش جهانی بودن تجدّد در عین تکثر فرهنگها؛
 ۴- مطرح کردن تفاوت‌های ماهوی غرب و شرق (خود بنیادی و هستی بنیادی)؛
 ۵- نقد شرق شناسی غربیان و طرح ضرورت گفتگو میان شرق و غرب-۱۳۴۶؛
 ۶- نقد جریان ضد غربزدگی در عین قبول واقعیت غربزدگی ما-۱۳۷۵؛
 ۷- بررسی توسعه و تجدّد طلبی ایران، مقایسه‌ای میان قبل و بعد از انقلاب؛
 ۸- نقد روشنفکران ایدئولوژی زده؛
 ۹- ضرورت نفی جدلی (دیالکتیکی) سنت و نه نفی مکانیکی آن؛
 ۱۰- نقد هیچ انگاری جدید و راه برون رفت از آن (مذهب یا معنویت)؛
 ۱۱- دین آری اما نه ایدئولوژیک و حاکم بر همه امور.

۲- دین حق

در این طیف چند محور قابل بررسی است: آرمان گرایی، واقع گرایی، نوگرایی، پسانوگرایی، سنت گرایی، تحجر.

۱-۲- آرمان گرایی

این اندیشه به دو صورت ظاهر شده است: مکتبی چپ گرا و فقاهتی.

- ۱-۳- پسانوگرایی نسبت به تجدّد
 این اندیشه عرف گرایانه را داریوش آشوری مطرح می کند با تأکید بر این نکات:
 ۱- ضرورت نقد تجدّد با پیروی از افکار نیچه؛
 ۲- وضع پسانوگرا آری، اما نه با پیشرفت به دنیای پیش- مدرن؛



۲-۱-۱-۱- مکتبی، ایدئولوژیک چپ‌گرا

که سهم عمده‌ای در به ثمر رساندن انقلاب داشتند، در چارچوب ناب‌گرایی اسلامی قابل ارائه‌اند.

الف) شاخه کلامی - فقهی

چند نشریه، شاخص اندیشه‌های این شاخه است:

الف-۱- مجله نور علم در سال ۱۳۶۲ با

مسئولیت جامعه مدرسین حوزه علمی قم ظاهر شد. نکات عمده‌ی آن:

۱- ناب‌گرایی، اسلام فقهاتی با مرجعیت حوزه و روحانیت؛

۲- درست آیینی در اسلام و مطابقت کامل رفتارها و فرآیندهای فرهنگی با فقه و

شریعت؛

۳- محوریت ولایت فقیه؛

۴- مرزبندی با اباحی‌گرایی در شکل‌های مختلف انحرافی نسبت به ناب‌گرایی مانند:

آزاداندیشی و نواندیشی و ملی‌گرایی؛

۵- مقابله با گفتارهای بدعت‌آمیز نوگرایانه و عرف‌گرایانه؛

الف-۲- مجله معرفت از سال ۱۳۷۱ انتشار یافت. مسئولیت آن با مصباح یزدی است. اهم نکات آن:

۱- مطلق نبودن آزادی عقیده (ضرورت محافظت از اندیشه حق) و تأکید بر حقانیت حکم ارتداد؛

بر مبنای افکار علی شریعتی گروه‌های متعددی شکل گرفتند. آن افکار در زمان حیات شریعتی با واکنش‌های متفاوتی روبرو شد: بهشتی او را برخوردار از استعدادها و بارزش می‌دانست؛ مصباح یزدی به او تا سرحد ارتداد بدگمان است.

گروه‌هایی که از او متأثر شدند و بعد از انقلاب فعال بودند: مجاهدین خلق (منافقان)، راه شریعتی، فرقان، آرمان مستضعفان، نهضت مجاهدین خلق.

۲-۱-۲- فقهاتی

اندیشیدن به تکالیف و مسئولیت‌های انسان در محضر الهی و حاکمیت همه احکام فقهی بر تمام شئون جامعه از ویژگی‌های اصلی محور فقهاتی است که در سه شاخه تقسیم می‌شود: دو شاخه آن کلامی - فقهی، و فقه سنتی، در ناب‌گرایی اسلامی مشترک‌اند؛ وجه تمایز آنها در نوع وظایف و مسئولیت‌هایی است که عملاً به عهده گرفته‌اند: فعالیت با وجه غالب حوزوی، یا فعالیت با وجه غالب تبلیغی - سیاسی - اجتماعی.

و شاخه‌ی دیگر با عنوان فقه پویا و برخی تمایلات نوگرایانه و روشنفکر مآبانه. یادآوری: اندیشه‌های مطهری و طالقانی

- ۲- لزوم رعایت انضباط متشرعانه در فعالیتهای فرهنگی؛
- ۳- نفی تأویل و تفسیر انسانی دین (دین مستقل از انسان است)؛
- ۴- تأکید بر حکم حجاب و احتمال وجوب آن حتی در مورد صورت و دستهای زن؛
- ۵- عقلانیت اسلامی آری، عقلانیت غربی نه؛
- ۶- دفاع از دین خدا محور و نه انسان محور؛
- ۷- نفی نظریه قبض و بسط و تحول معرفت دینی؛
- ۸- نفی کثرت گرایی دینی؛
- ۹- دفاع از ولایت مطلق فقیه در مقابل مردم سالاری (دموکراسی) غربی؛
- ۱۰- ضرورت اسلامی کردن دانشگاهها (اسلام برای سیاست و اقتصاد و مدیریت، اصول و روشهای خاص خود را دارد).
- الف-۳- مجله کلام اسلامی از سال ۱۳۷۱ انتشار یافت. مسئولیت آن با جعفر سبحانی است و به پاسخگویی مستدل شبهات کلامی جدید پرداخته است، از جمله:
- ۱- اسلام فاقد اساسنامه در حکومت و اقتصاد است؛
- ۲- دین در مقابل عمل به سان رسن بی جهت، و در مقام نظر مثل طبیعت صامت است؛
- ۳- اساس دین و دینداری، تجربه دینی است؛
- ۴- فهم و تفسیر هر متنی مستلزم پیش فرض است و قرائت قطعی و یقینی از متن نداریم؛
- ۵- زبان دین، زبان رمزی و حاوی ابهام و غیر مبین است؛
- ۶- حکم ارتداد با حق آزادی اندیشه و آزادی بیان سازگار نیست؛
- الف-۴- مجله اندیشه حوزه از سال ۱۳۷۴ انتشار یافته است. مسئولیت آن با محمود روحانی و وابسته به دانشگاه علوم رضوی است؛
- الف-۵- مجله حکومت اسلامی از سال ۱۳۷۵ انتشار یافته است، زیر نظر دبیرخانه مجلس خبرگان و به ویژه به پاسخگویی به ایرادهای مهدی حائری یزدی بر ولایت فقیه اهتمام ورزیده است.
- در شاخه کلامی- فقهی، تأویلهای و تلقیهای متکثر از دین ناروا شمرده شده است، ظواهر و قالبهای کلامی و فقهی محترم است، هنر قدسی و متعالی پذیرفته شده، شادیهای در محدوده‌ی مجاز معنا می‌یابد، برای تصدیق مناصب و مسئولیتهای تعهد مکتبی تقدم دارد، مبنای دانشگاه باید بر اصول انقلاب فرهنگی باشد.
- ب) شاخه فقه سنتی
- غیر از نکات اعتقادی که در بند الف آمد، این شاخه، در اداره‌ی امور جامعه، مداخله



- معتدل دولت را با توجه به واقعیتها و مصالح می‌پذیرد و به قواعد بازار اعتقاد دارد.
- گروههایی که در این شاخه شکل گرفته‌اند عبارت‌اند از:
- ب-۱- جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی از سال ۱۳۴۲، با ترکیب جبهه مسلمانان آزاده (مسجد عین‌الدوله) و گروه مسجد شیخ علی و گروه اصفهانیه‌های مقیم مرکز.
- ب-۲- حزب جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۷، با ترکیب جمعیت سرّی اصلاح حوزه و هیأت‌های مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی. این حزب، انجمن‌های اسلامی را هدایت می‌کرد و با گروه‌های چپ، گروه‌های ملی‌گرا، گروه‌های عرفگرا و گروه‌های نوگرا مقابله می‌نمود. در دانشگاه‌ها، انقلاب فرهنگی را پیگیری می‌کرد. اندیشه حاکم بر حزب جمهوری اسلامی همان جریان ناب‌گرای اسلامی است: یک اسلام راستین و اصیل وجود دارد که از طریق روحانیت و ولایت فقیه قابل شناسایی است.
- ب-۳- روحانیت مبارز جریان فکری این شاخه را از طریق نشریات یا خطبه‌های نماز جمعه یا سخنرانی‌های مختلف اعضای جامعه روحانیت مبارز می‌توان شناخت.
- ب-۴- دین‌گرایی ریشه‌ای با نشریاتی مانند جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸، کیهان، صبح، یالثارات و رسالت از سال ۱۳۷۱-اهم نکات آنها:
- ۱- تخطئه صریح انحراف‌های نوگرایی و عرف‌گرایی؛
- ۲- تخطئه روش مزورانه روشنفکران در گردش از گرایش مارکسیستی به شعار ایدئولوژی‌زدایی در فاصله ۲ تا ۳ سال پس از فروپاشی شوروی؛
- ۳- ردّ طرح عصری کردن دین؛
- ۴- مطرح کردن موضوع ابتلای روشنفکری دینی به التقاط و اینکه سهم آن در غرب‌زدگی ایران بیش از روشنفکری لا مذهب (لاییک) بود؛
- ۵- مقابله با ستیزه‌ی صور مختلف دموکراسی با خرد برتر ولایی و نظام ولایت فقیه؛
- ۶- تخطئه روشنفکران در طرح اصالت فرهنگ ایرانی در مقابل فرهنگ اسلامی (مانند زرین کوب)؛
- ۷- ردّ نظریه روشنفکران دینی مثل سروش در طرح التقاطی سه فرهنگ (ایرانی، اسلامی و متجدد)؛
- ۸- مقابله با طرح تساهل و تسامح و دفاع از غیرت و اعتقاد دینی و پایبندی به اصول مذهبی؛

- ۹- تخطئه کامل نهضت آزادی به عنوان جریان التقاط اباحی گرا (لیبرالیستی) و جریان مسخ و تحریف مفاهیم اسلامی؛
- ۱۰- افشای نفوذهای روشنفکری به اصطلاح دینی در اهرمهای کلیدی فرهنگی، آموزشی و مطبوعاتی و در جهت براندازی نظام؛
- ۱۱- تخطئه داستان نامه‌های روشنفکری در تضاد با اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی و ادبیات جهاد و شهادت.
- ۱۲- افشاگری نسبت به نخستین نشریات روشنفکری همچون آدینه، سخن، کلک و گردون، به عنوان عوامل شیخون فرهنگی.
- ب- ۵- کتاب نقد بعد از سال ۱۳۷۶ ظاهر شد؛ وابسته به مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر به مسئولیت حسن رحیم پور ازغدی می باشد.
- این نشریه دین گراست و برای پاسخگویی به شبهات برخاسته و به نقد سکولاریسم، اصلاحات، جامعه مدنی، دین و دنیا و لیبرالیسم پرداخته است. اهم نکات آن:
- ۱- معرفت‌شناسی دینی و کلام جدید در جوامع مسلمانان: سوء تفاهم آغشته به التقاط و بدعت (نقد بر شبستری و سروش)- ۱۳۷۶؛
- ۲- جدایی دین و حکومت مغایر با مضامین اصیل دینی است (نقد بر بازرگان)- ۱۳۷۶؛
- ۳- جدایی دین و ایدئولوژی (نقد بر سروش...)- ۱۳۷۶؛
- ۴- دین در صحنه، نه دین در حاشیه (نقد بر سروش)؛
- ۵- تقابل جامعه مدنی و دموکراسی غربی با شریعت اسلام (نقد تقلیل دین به امر شخصی)؛
- ۶- مقابله با نهضت آزادی و نیروهای ملی- مذهبی- ۱۳۷۸؛
- ۷- دفاع از جلال آل احمد در ضد غربزدگی و نقد روشنفکری؛
- ۸- واکنش نسبت به تغییرات کتابهای درسی تاریخ و کمرنگ شدن رویکردهای دینی در آن- ۱۳۷۸؛
- ۹- فرق اصلاحات با براندازی و ضرورت دوربودن اصلاحات از انحرافات و لیبرالیسم؛
- ۱۰- معرفی اصلاحات در چارچوب ولایت فقیه. مطالعات فقهی.
- ب- ۶- سخنرانیهای مصباح یزدی قبل از خطبه نماز جمعه به صورت منظم از سال ۱۳۷۶ آغاز شد؛ با بیان دین‌گرایی معتقد به حاکمیت فقه و ولایت فقیه. اهم نکات آن عبارت است از:
- ۱- خدا محوری آری، انسان محوری نه؛
- ۲- رد مغالطاتی که به عنوان انتظار از دین یا دین کمینه صورت می گیرد؛

- ۳- ردّ مغالطه‌ای که به عنوان حق و تکلیف به عمل می‌آید؛
- ۴- اثبات اینکه مشروعیت حکومت از نظر اسلام رأی مردم نیست؛
- ۵- چرا اسلام با دموکراسی تعارض ماهوی دارد؟
- ۶- تساهل و تسامح به معنای جدید با اصول و مبانی مسلمانی مغایرت دارد؛
- ۷- آزادی به معنای جدید و نیز اباحی‌گرایی (لیبرالیسم) با اسلام منافات دارد؛
- ۸- دین‌گرایی با عقل‌گرایی جدید و شکاک و نسبی‌نگر منافات دارد (دین‌گرایی مستلزم مطلق‌گرایی است)؛
- ۹- نادرستی قبض و بسط معرفت دینی و هرمنوتیک و پلورالیسم دینی و قرائتهای مختلف از آن؛
- ۱۰- تضاد ماهوی اسلام با عرف‌گرایی و خصوصی شدن امر دین؛
- ۱۱- اثبات نادرستی نظریه جدایی دین از سیاست؛
- ۱۲- تشریح اینکه اسلام تکلیف حکومت را کاملاً مشخص کرده است؛
- ۱۳- اجباری بودن عمل به احکام اسلامی برای مسلمانان پس از اختیار دین اسلام؛
- ۱۴- اثبات اینکه ولایت فقیه برای اجرای احکام اسلام در جامعه و حاکمیت بخشیدن آن بر جامعه ضروری است؛
- ۱۵- حکومت اسلامی باید برای اجرای احکام اسلام در صورت لزوم از قوه‌ی قهریه استفاده کند؛
- ۱۶- تشریح هجوم فرهنگی غرب و غربزدگان و روشنفکران التقاطی که در جهت براندازی نظام اسلامی است و ضرورت مقابله با آن؛
- ۱۷- دفاع از تعصب و غیرت دینی؛
- ۱۸- اثبات اینکه حکم ارتداد جزو احکام مسلم اسلامی است؛
- ۱۹- چرا خرید و فروش کتب ضالّه حرام است؟
- ۲۰- گناه در غیر خلوت فردی، در حکومت اسلامی جرم حقوقی و قابل تعقیب قانونی است؛
- ۲۱- امور معنوی و مقدسات و معتقدات مسلمین نیز آزادی را محدود می‌کند؛
- ۲۲- ضرورت گزینش عقیدتی و شرایط خاص اعتقادی برای احراز بسیاری از مشاغل و مقامات مهم در حکومت اسلامی؛
- ۲۳- خشونت از نظر اسلامی گاهی مذموم نیست، بلکه واجب نیز هست، ارهاب همین‌طور؛
- ۲۴- لزوم خشونت برای حفظ کیان دین و نظام اسلامی به عنوان وظیفه شرعی حتی به صورت فردی؛

- ۲۵- وظیفه دولت اسلامی فقط تأمین نظم و رفاه مادی نیست، بلکه باید معتقدات صحیح و مقدسات و ارزشها و شعایر اسلامی را نیز پاسداری کند.
- ج) مطهری**
- کار سترگ او در ناب‌گرایی اسلامی و در دفاع از فلسفه الهی در برابر فلسفه مادی با زبان جدید، و دفاع واقع‌بینانه‌تر از الهیات متناسب با روح علمی زمانه به قبل از انقلاب برمی‌گردد، اما بازتابهای گسترده‌ای نیز بعد از انقلاب یافت. مهم‌ترین نکات مطرح شده در آثار مطهری:
- ۱- خدا فاعلی بیرون از عالم و صرفاً در آغاز حدوث زمانی آن نیست؛ جهان جلوه‌ی خلاقیت مستمر اوست؛
 - ۲- نظریه تکامل انواع غیرتوحیدی نیست؛
 - ۳- عدم اشکال شرعی نپوشاندن صورت و دوست‌زن تا میچ و عدم اشکال نگاه نامحرم به آن بدون قصد و احتمال کامجویی؛
 - ۴- جانبداری از مواضع اصولیان و فقها در برابر اخباریان، و از مواضع فلسفه عقلی اسلامی و کلام دینی عقلگرا در مقابل اهل حدیث و کلام اشعری و نیز ظاهرگرایان؛
 - ۵- عوام‌الناس چون تفکر ندارند، طبعاً فکر و تعقل را خطرناک می‌دانند و از آن وحشت دارند؛
- ۶- ابراز موضع اصولی صریح در حجیت عقل ضمن تأکید بر اصل اجتهاد؛
- ۷- پیشرفت دین در جامعه منوط به سازماندهی دستگاه و رهبری آن یعنی سازمان روحانیت است؛
- ۸- تحت عنوان نهی از منکر نباید در حریم و زندگی خصوصی مردم تجسس و مداخله شود؛
- ۹- برای اجرای قانونمند امر به معروف و نهی از منکر، حکومت دینی ضروری است؛
- ۱۰- دفاع از تخصصی شدن فقه و تجزیه در اجتهاد و مراجعه متدینان به مجتهدان مختلف در حوزه‌های تخصصی گوناگون؛
- ۱۱- اطلاعات غیر دینی فقیه بر اجتهاد دینی او اثر گذار است؛
- ۱۲- اسلام آن چنان دینی است که در محیط علم بهتر از محیط جهل رشد می‌کند؛
- ۱۳- دفاع از احکام فقه اسلامی در برابر تغییر قوانین مدنی راجع به زن و خانواده؛
- ۱۴- وقتی دین در تقابل با انواع نیازهای طبیعی انسانی و نیز در تضاد با حقوق بشر قرار می‌گیرد، مردم از آن دلزده می‌شوند؛
- ۱۵- ماهیت کفر چیزی جز عناد و میل به پوشاندن حقیقت نیست؛
- ۱۶- بسیاری از غیرمسلمانان به سبب کارهای خوب خود، مورد رحمت واسعه الهی قرار



- می گیرند، زیرا رحمت الهی در انحصار عده‌ی معدودی نیست؛
- ۱۷- از نظر قرآن، عقل، حجت و سند و معیار است و خداوند صریحاً مردم را به پیروی از عقل توصیه فرموده است؛
- ۱۸- در اسلام جنگ جهادی برای تحمیل توحید وجود ندارد؛
- ۱۹- هر کس باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد؛
- ۲۰- در حکومت اسلامی احزاب آزادند، هر حزبی اگر عقیده‌ی غیراسلامی هم دارد، آزاد است؛
- ۲۱- آنچه می‌تواند گناه و عیب باشد، اینکه اکثریت مسلمان ملت ایران به اقلیت بی‌اعتقاد اجازه‌ی چون و چراندهند؛
- ۲۲- حکومت جمهوری اسلامی به معنای حکومت روحانیان نیست؛ ولی فقیه وظیفه نظارتی دارد؛
- ۲۳- تعلیمات لیبرالیستی در متن تعالیم اسلامی وجود دارد؛
- ۲۴- سوسیالیسم اخلاقی چیزی است که اسلام همیشه در پی تحقق آن است؛
- ۲۵- وقتی از جمهوری اسلامی سخن به میان می‌آوریم، به طور طبیعی آزادی و حقوق فرد و دموکراسی هم در بطن آن است؛
- ۲۶- واقعیت مستقل از ذهن وجود دارد و می‌توان آن را به درستی شناخت؛
- ۲۷- صدق و خطا مطلقاً متمایز و قابل تفکیک است و کثرت‌گرایی مردود است؛
- ۲۸- اگر بخواهیم اسلام را بشناسیم، باید محتوای اسلام را از کتاب و سنت قولی و عملی قطعی طرح کنیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.
- (د) طالقانی**
- اوهمواره مشهور به روحانی سیاسی مخالف با تجدّدآمرانه رضاخان و مذهب ستیزی پهلوی بود. مهم‌ترین نکات اندیشه او:
- ۱- نفی استبداد و جمود دینی و تخطئه فرنگ مآبی سبکسر و بدگویی از علمای دینی و ترویج بی‌بندوباری و طرح نادرست آزادی زنان؛
- ۲- کوشش در تلفیق دین‌گرایی بانوگرایی و علم‌گرایی و عرف‌گرایی؛
- ۳- تأکید بر مشارکت همه گروه‌ها برای اداره‌ی کشور و جلب مشارکت و همکاری مخالفان و گروه‌های غیراسلامی؛
- ۴- ضرورت قبول مطالبات مردم و پرهیز از مقابله رودر رو با مردم؛
- ۵- ضرورت کنارگذاری خودرأیی و خودخواهی و نیز گروه‌گرایی و فرص‌طلبی و تحمیل عقیده یا خدای نخواستہ استبداد

- زیر پرده‌ی دین؛
- ۳- دفاع از حریت فکری و اصلاح طلبی؛
- ۴- پرهیز از تحجّر و زمان‌شناسی؛
- ۵- توجه به مصالح روز- ۱۳۶۵. نقد فداییان اسلام در عدم توجه به مصالح سیاسی زمان؛
- ۶- تبلیغ ساده‌زیستی؛
- ۷- دفاع از نقدگرایی و انتقادپذیری و اجتناب از متملق‌پروری (آرای منتظری)؛
- ۸- به رسمیت پذیرفتن دانشگاهیان و استقلال نظر و عمل آنها- ۱۳۶۰؛
- ۹- طرح برخی مباحث کلامی- معرفت‌شناختی در فلسفه فقه؛ آیا جهان‌بینی تأثیری در استنباط احکام دارد؟- ۱۳۶۳؛
- ۱۰- تشریح عقل‌گرایی اسلامی؛
- ۱۱- تبیین واقع‌گرایی اسلامی و به رسمیت شناختن زندگی دنیوی؛
- ۱۲- دفاع از مشارکت و حقوق زنان؛
- ۱۳- مطرح کردن اندیشه آزادی و آزادی اندیشه؛
- ۱۴- اصالت تنوع آرای و افکار و اندیشه‌ها (مقدمه‌ای برای تکثرگرایی)؛
- ۱۵- لزوم فضای باز برای طرح انتقادها- ۱۳۶۴؛
- ۱۶- دفاع از مردم‌سالاری دینی- ۱۳۶۴؛
- ۱۷- طرح مبانی فقهی برای نظریه تساهل در معنای مسلمان و کافر؛
- ۶- راست افراطی و چپ افراطی مضرند؛
- عده‌ای از جوانها با همه احساسات پاکشان، با همه خلوصشان شاید خودشان هم ندانند که غالی‌اند.
- ه) شاخه فقه پویا
- نشریاتی که بیانگر اندیشه‌های این شاخه است، به طور کلی به گروه روحانیون مبارز وابسته‌اند که به مداخله دولت برای توزیع عادلانه با گرایش چپ اقتصادی و با طرح «فقه پویا» در مقابل فقه سنتی معتقدند.
- گروه روحانیون مبارز در سال ۱۳۶۷ با پیگیری موسوی خوینیه‌ها، کربوبی و دعایی شکل گرفت.
- ه- ۱- مجله حوزه از سال ۱۳۶۲ ظاهر شد. مسئولیت آن با دفتر تبلیغات اسلامی قم است. نوعی قرابت با نوگرایان و روشنفکران دینی دارند، و در شعار بر حقوق محرومان و ضرورت تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کنند و قائل به محدود کردن مالکیت خصوصی‌اند. اهم نکات آن:
- ۱- ضرورت اصلاح حوزه و روحانیت؛
- ۲- لزوم همکاری علمی روحانیان با دانشگاهیان و تجدّدخواهان و صاحب‌نظران خارج از حوزه؛



انتخابات مجلس پنجم شگردهای تبلیغاتی
غربی را مباح دانستند و رایج ساختند. از
جمله اقدامات دیگر آنها فرهنگسرا سازی
شهرداری تهران در زمان مسئولیت کرباسچی
بود.

۱-۱۷) هر غیر مسلمانی کافر نیست - ۱۳۶۵؛
۲-۱۷) انکار ضروریات دینی لزوماً به معنای
کفر نیست - ۱۳۶۴؛
۳-۱۷) آثار و پیامدهای به کارگیری حربه
تکفیر؛
۴-۱۷) آزادی عقیده به جای خشونت بر سر
عقیده؛

۲-۳- نوگرایی

اندیشه به اصطلاح نوگرایی دینی به چند
شکل ظاهر شده است: چپگرایی عدالت
خواه، ملت گرایی آزادیخواه، انسانگرایی،
کلام جدید.

۵-۱۷) مخالفت ریشه‌ای اسلام با حربه
تکفیر - ۱۳۶۵؛
۶-۱۷) مصلحت گرایی اسلامی - ۱۳۶۷.

ه- ۲- روزنامه بیان در سال ۱۳۶۹ با مسئولیت
محتشمی پور ظاهر شد؛ و در آن به نوعی
برخورد با محتویات نشریات آدینه و دنیای
سخن همت گماشته بود.

۲-۳-۱- چپگرایی عدالت خواه

دو گروه در این شاخه مطرح بودند: یکی
جمعیت آزادی مردم ایران و دیگری جنبش
مسلمانان مبارز.

ه- ۳- روزنامه سلام در سال ۱۳۶۹ با مسئولیت
موسوی خویینها ظاهر شد. این نشریه
سخنگوی مجمع روحانیون مبارز بود که
اکثریت آرای مجلس سوم را داشتند، اما
مجلس چهارم را از دست دادند.

الف- جاما

ریشه این گروه نهضت خدایپرستان
سوسیالیست است که به سال ۱۳۲۲ بر
می‌گردد. جلال‌الدین آشتیانی و نخشب از

سرشناسان این نهضت بودند. از این نهضت
عده‌ای به خداگرایی غیرمذهبی و سپس
سوسیالیسم روی آوردند و عده‌ای دیگر
جمعیت آزادی مردم ایران و سپس حزب
مردم ایران را تشکیل دادند که در سال ۱۳۴۱
به سرکردگی سامی از جبهه ملی جدا شدند

۲-۲- واقع گرایی

این اندیشه مبتنی بر برخورد آزاد و
تجربه‌گرایانه است و به مصلحت‌گرایی
اعتقاد دارد.

گروهی که این اندیشه را دنبال می‌کرد
کارگزاران سازندگی بودند که به ویژه با

و ایدئولوژی انقلابی اسلام را پذیرفتند. حمایت امت مسلمان و مبارز به رهبری مهم‌ترین ادعاهای جاما در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ عبارت بود از:

۱- وجود اختناق، خشونت، انحصار، سلب آزادی، تحمیل عقیده و یکسان‌سازی فرهنگی؛

۲- حاکمیت قشری‌گری، واپس‌گرایی، جزمیت، تنگ‌نظری و تکفیر؛

۳- نامناسب بودن قضای شرعی-انقلابی به جای دادگستری عرفی، رد لایحه قصاص؛

۴- ادعای شنیده شدن صدای پای فاشیسم، محکومیت حمله به کتابفروشیهای خاص و ایجاد حریق.

۲-۳-۲- ملت‌گرایی آزادیخواه

در این شاخه گروه نهضت آزادی به رهبری بازرگان شکل گرفت. نشریه آنها میزان بود که توقیف شد - ۱۳۶۰. غیر از آن، نشریه دریچه گفتگو را ماشاءالله دل آگاه منتشر کرد.

ب- جنبش مسلمانان مبارز

این گروه نیز به رهبری پیمان ایدئولوژی انقلابی اسلام را انتخاب کرده و ادعاهایی را مطرح نموده که تا حدودی متناقض و مبهم است و در نهایت حوالت دهنده به آینده‌ی تاریخ. مهم‌ترین نکات آن:

۱- دین یک ایدئولوژی چپ سیاسی - ۲-۳-۳- انسان‌گرایی

انقلابی است و نه صرفاً رابطه شخصی با خدا و امر اخلاقی مجرد؛

۲- ضرورت وحدت روشنفکران متعهد و روحانیان مبارز و آگاه و تصفیه روحانیت از روحانی نمایان و مرتجعان؛

۳- پیگیری قاطع آرمانهای انقلابی مکتبی با

در این شاخه چند گروه ظاهر شده‌اند که برخی زاینده برخی دیگرند. اساس اندیشه آنها بر باز بودن در تأویل و تفسیر و صرفاً تأکید بر غایات است. از اجتهاد پویا، آزادی حجاب، حقوق برابر زن و مرد، هنر آزاد، تفریح آزاد، تقدّم لیاقت عرفی بر تخصص



- برای احراز مشاغل مهم دفاع می کنند و قائل به وجود دانشگاه علمی فارغ از دین اند.
- الف- کیهان فرهنگی**
- قبل از انقلاب گروه نوگرایی با عنوان کانون فرهنگی نهضت اسلامی فعالیت می کرد. این گروه سرمنشأی تشکیل حوزه ی اندیشه و هنر اسلامی شد- ۱۳۵۸؛ با همکاری رضا تهرانی و سیدمصطفی رخ صفت. این حوزه بعداً با نام حوزه ی هنری به سازمان تبلیغات اسلامی وابسته شد. از آن گروه، حسن منتظر قائم و سیدحسن شاهچراغی، در زمانی که مسئولیت کیهان به سیدمحمد خاتمی سپرده شده بود، کیهان فرهنگی را برپا کردند که تا سال ۱۳۶۴، زمان شهادت آن دو، فعال بود، اما پس از آن به سبب مشاجراتی در سال ۱۳۶۹ متوقف شد.
- مهم ترین ادعاها و نکات مطرح شده در کیهان فرهنگی:
- ۱- اسلام فقهاتی مقلد پرور و اسلام اخلاقی، عرفانی و فلسفی و چون و چرا بردار است؛
 - ۲- معرفت دینی غیر از خود دین است و مقدس نیست (معرفت دینی تابع معرفت های دیگر است)؛
 - ۳- ضرورت نقد درونی انقلاب؛
 - ۴- نقد سیاستگذاری فرهنگی بعد از انقلاب (ادعای اینکه امر به معروف و نهی از منکر
- فرهنگ سیاسی شده است)؛
- ۵- خبر دادن از شکل گیری گونه تازه ای از روشنفکری دینی (خردگرایی توأم با نگاه معطوف به آینده)؛
 - ۶- دفاع از سنت های روشنفکری غالباً عرفرا (سکولار) در ایران؛
 - ۷- ادعای اینکه مکتب باید در کارکرد تاریخی آن آزموده شود، نه در عالم استدلال های انتزاعی؛ نتیجه گیری درباره ی انتظار بیشینه یا کمینه از دین؛
 - ۸- نقد رویکردهای آل احمد و شریعتی در بحث های غریب دگی و بازگشت به خویش؛
 - ۹- گذر از تندرویها و حلالیت خواهی از بازرگان (توجه شود به سابقه موضع گیری مهاجرانی علیه بازرگان در سال ۱۳۶۲ وقتی بازرگان به انتقاد از نظام پرداخته بود).
- ب- کیان**
- پس از توقف کیهان فرهنگی، همان گروه به تجدید قوا می پردازد و در سال ۱۳۷۰ مجله کیان را تأسیس می کند. با این شعار: نه قدح تخطئه آمیز هر نظریه و سلیقه، و نه مدح مبالغه آمیز هر سخن و پیام. کیان علاوه بر اینکه در هر شماره مطلبی از سروش می آورد، از نویسندگان دیگری نیز استفاده می کند، همچون محمد مجتهد شبستری، چنگیز پهلوان، سعید حجاریان و جواد طباطبایی.



- مهم‌ترین نکات آن در ادامه مطالب کیهان فرهنگی از این قرار است:
- ۱۰- دفاع از جامعه دینی اما با حکومت غیر دینی- ۱۳۷۰؛
- ۱۱- دفاع از دین غیر ایدئولوژیک (یا غیر متعهد) که معرف حیرت و معنویت و تجربه‌ای درونی است- ۱۳۷۱؛
- ۱۲- نقد اندیشه دینی برمبنای دگرگونی محتوای معرفت دینی، بدون هیچ خط قرمز- ۱۳۷۲؛
- ۱۳- نقد روحانیت و طرح این ادعا که دین شناسی و تعلیم آن نباید در انحصار صنف روحانی باشد- ۱۳۷۳؛
- ۱۴- طرح تکثراً پلورالیسم دینی، ایمان‌گرایی به جای شریعت‌گرایی، ترجیح دین عرفانی بر دین فقهاتی، بسط تجربه نبوی؛
- مسئولیت مجله کیان با شمس‌الواعظین بود؛ مجله دوقلوی آن، مجله زنان بود که با مسئولیت شهلا شرکت با همان دیدگاه عرفگرایی و نوگرایی درباره‌ی زنان منتشر شد. به این دو مجله حلقه کیان گفته شد.
- ج- ایران فردا در سال ۱۳۷۱ با مسئولیت عزت‌اله سبحانی، پس از انشعاب از نهضت آزادی و با گرایش چپ نوگرا ظاهر شد.
- د- عصر ما این نشریه سخنگوی رسمی سازمان
- مجاهدین انقلاب اسلامی بود که قبل از پیروزی انقلاب، با مشی مسلحانه، در هفت گروه: امت واحد، توحیدی خلق، توحیدی فلاح، توحیدی بدر، موحدین، صف و منصورون، در خوزستان، کرمان، اصفهان، تهران و ... خارج از کشور فعالیت داشتند. این گروه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زیر نظر مرتضی مطهری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تشکیل دادند که از همان ابتدا اختلافات چپ و راست مذهبی در آن بارز بود. پس از مطهری، نظارت بر عهده‌ی حسین راستی باقی ماند که به عنوان نماینده‌ی ولی فقیه برای حل اختلافات، ارجاع به فقه می داد. اما سعید حجاریان و بهزاد نبوی و هاشم آقاچری و محسن آرمن و محمد سلامتی و مصطفی تاج‌زاده اعلام داشتند که فعالیت حزبی و سیاسی در محدوده‌ی تعریف شده‌ی حسین راستی نمی‌گنجد. در سال ۱۳۶۱ پس از شدت گرفتن اختلاف با راستی ۳۷ نفر از اعضای سازمان استعفا دادند و حسین راستی نیز در سال ۱۳۶۵ انحلال سازمان را اعلام کرد.
- گروه یاد شده در سال ۱۳۷۰ تجدید سازمان کرد. در این میان سعید حجاریان تا سال ۱۳۷۵ موضع خود را در دفاع از ولایت فقیه حفظ کرد.

از موضع گیریهای جالب سازمان، مقابله شدید با سعید رجایی خراسانی در سال ۱۳۷۲ بود که موضوع مذاکره با آمریکا را مطرح کرده بود. در این موضع گیری، دفتر تحکیم وحدت نیز با این سازمان هم صدا بود، درهرحالی که این گروهها، هردو به صورت آشکار بعد از ۱۳۷۶ مدافع سیاست مذاکره با آمریکا می شوند، به طوری که برخی از دانشجویان به اصطلاح پیرو خط امام که مبادرت به اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ نموده بودند، مانند عباس عبدی و محسن میردامادی، تا ابراز ندامت پیش می روند.

ه- **مجله بهمن** در دی ماه ۱۳۷۴ منتشر شد. مسئولیت آن با عطاءالله مهاجرانی بود. مهاجرانی، پس از صدور حکم ارتداد سلمان رشدی در سال ۱۳۶۷ به دنبال انتشار کتاب آیات شیطانی، نقدی بر آن می نگارد با عنوان نقد توطئه آیات شیطانی، ولی همو در سال ۱۳۷۲ موضوع مذاکره با آمریکا را مطرح می کند که با واکنش شدید دیگران مواجه می شود. گرایش عمومی هفته نامه بهمن، دین گرایی میانه رو، نوگرایی و عرفگرایی بود.

یادآوری: بعد از پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۷، چپگرایان اسلامی با کمی تجدیدنظر در مواضع اعتقادی خود و پذیرفتن برخی گفتارهای نوگرایی دینی و بعضی ملاحظات عرف گرایانه و آزادی خواهانه با اغتنام از فرصت برعهده نداشتن مسئولیت، به بازسازی خود می پردازند (تحول به سمت نوگرایی). با دولت هاشمی رفسنجانی فرصتها و زمینه ها برای گفتارهای فکری و فرهنگی متنوع نوگرا، عرفگرا و مقولات روشنفکری پیش می آید. بنیاد سینمایی فارابی با مدیریت سیدمحمد بهشتی بستری برای فعالیت عرفگرایان در سینما می شود. فضای جنگ تحمیلی و محدودیتهای قهری آن، به فضای تفریح و شادی و چاپ داستانهای نوگرا، عرفگرا و حتی مبتذل تبدیل می شود؛ روزنامه نگاران حرفه ای برای مبارزه ی پنهان سیاسی با انقلاب اسلامی، در پوشش روزنامه ها و نشریات جدیدی که ذکر آن رفت، وارد صحنه می شوند. از این آفت، روزنامه های همشهری، ایران، زن و هفته نامه بهمن مصون نمی مانند.

و- **راه نو** در سال ۱۳۷۷ ظاهر می شود. گردانندگان آن اکبر گنجی و علوی تبار هستند و در همان فضایی که مجله کیان ایجاد کرده بود، نویسندگی کردند. روشنفکری دینی، نوگرایی دینی و اصلاح طلبی دینی

- ۴- دفاع از اباحی گرایی و لیبرالیسم دینی؛
 ۵- تحویل شریعت به ایمان و سازگاری روح ایمان با درجاتی از شک و الحاد؛
 ۶- استقلال فرهنگ و بازار کالاهای فرهنگی و کاهش نظارت ایدئولوژیک حکومت بر آنها؛
 ۷- نقد روشنفکران دینی.
- ۴-۳-۲- متکلمین جدید
 دو چهره‌ی شاخص در این باب مطرح‌اند: محمد مجتهد شبستری و عبدالکریم سروش.
- الف- نوگرایی کلامی
 گفته شده که محمد مجتهد شبستری پس از بازگشت از مأموریت آلمان (هامبورگ)، تحت تأثیر افکار کلامی مسیحیت به ویژه جریانات پروتستانتیسم، شکاکیت و نسبی‌نگری می‌شود. نکاتی که در این نگرش مطرح می‌شود، عبارت است از:
 ۱- دین‌داری تنها در پرتو علوم و معارف بشری میسر است، در هر سه مرحله شناخت خدا و پیامبر و فهم تعالیم آنها- ۱۳۶۶؛
 ۲- دفاع از معرفت‌شناسی چند منبعی در کنار معرفت‌شناسی متکی بر وحی؛
 ۳- معرفت دینی ناب به دور از پیش‌فرضها و عناصر و آمیزه‌های غیر دینی وجود ندارد؛
 ۴- با ورود معارف جدید، چیزهایی استنباط
- برای موضوعات عقل‌گرایی، تسامح، و انسان‌گرایی.
 راهبردهایی که برگزیده شد عبارت‌اند از:
 ۱- راهبرد آرامش فعال از عباس عبدی با محکوم کردن افراطیون دو طرف؛
 ۲- راهبرد فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا از سعید حجاریان؛
 ۳- راهبرد تشدید تضادها از اکبر گنجی با افشاگری‌های جنجال برانگیز.
 ز- روزنامه‌های زنجیره‌ای، به نام جامعه، توس، آفتاب امروز، عصر آزادگان ... با گرداندگی شمس الواعظین، جلالی‌پور، محسن سازگارا و روزنامه صبح امروز با گرداندگی رضا تهرانی منتشر می‌شوند- از سال ۱۳۷۷ به بعد. مهم‌ترین نکات مطرح شده:
 ۱- دامن زدن به اختلافات درونی نظام و برجسته کردن مواضع معطوف به تغییرات؛
 ۲- مرآده و گفتگو با عرف‌گرایان: موضوع «رویکرد دینی فرهنگی، آینده‌ی مثبت» از چنگیز پهلوان، و موضوع «قبلاً خدا بر همه شئون جامعه حاکم بود» از باقر پرهام؛
 ۳- گفتمان نوگرایی- تجدّد. «فهم معنوی و اخلاقی دین در آینده خود را تثبیت خواهد کرد» (در مقابل شریعت و فقه) از سید جواد طباطبایی؛

- می شود که در صدر اسلام به ذهن نمی آمد؛
- ۴- اهمیت آزادی و تنوع و انتقاد به جای لزوم اصالت و وحدت و اعتقاد و التزام؛
- ۵- تعدد و تکثر معرفت‌های دینی: هر کس به نوعی الوهیت، توحید و نبوت را تصور و بیان کرده است؛
- ۶- دفاع از مدیریت علمی و فنی غیر معارض با حرام مسلم و نه مدیریت حلال و حرام فقهی به صورت ایجابی؛
- ۷- ادعای تناقض‌های بنیادین در قرائت رسمی از دین؛
- ۸- دفاع از دین تجربی و هرمنوتیک و نه دین فقهی و ایدئولوژیک (دین کمینه: نباید محرّمات شکسته شود)؛
- ۹- دفاع از دین‌شناسی به روش علمی و پدیدارشناختی؛
- ۱۰- بیان اینکه عقلانیت انتقادی با امر قدسی در گوهر تجربه دینی مانعة‌الجمع نیست (چالشی در سنت و نه نفی سنت).
- ۱۱- عدم توانایی دین حکومتی در حفظ اصالت دین - ۱۳۷۶؛
- ۱۲- ضرورت استقلال دینی و نهاد آن و مرجعیت از نهاد سیاست - ۱۳۷۷؛
- ۱۳- دفاع از نظریه نظارت فقیه که از منتظری برگرفته است به جای ولایت فقیه. که در نتیجه به این نکات می انجامد:
- ۱۴- اهمیت آزادی و تنوع و انتقاد به جای لزوم اصالت و وحدت و اعتقاد و التزام؛
- ۱۵- ترقی و توسعه فرهنگی به جای تطهیر و تزکیه و تعالی فرهنگی؛
- ۱۶- حمایت از تولید کالاهای فرهنگی و رقابت و بازار فرهنگی نامشروط به جای نظارت مکتبی بر تولیدات فرهنگی و حمایت به شرط مطابقت با ضوابط شرعی.
- ب- معرفت‌شناسی**
- سروش از ابتدای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی عضو آن بود و مواضع موافق انقلاب فرهنگی داشت، اما از سال ۱۳۶۱ مواضع مستقلی گرفت:
- ۱- علم وحشی و بی‌وطن است و فرقی نمی‌کند در آمریکا یا چین یا شوروی یا ایران تولید شود - ۱۳۶۱؛
- ۲- معرفت‌های ما محدودیت‌های بشری را با خود حمل می‌کنند - ۱۳۶۴؛
- ۳- عقل نه یک حقیقت انتزاعی و مطلق بلکه فرآیندی تاریخی است؛
- ۴- مردم همواره به اقتضای شرایط اجتماعی و تاریخی و محدودیت‌های شخصی خود تعقل می‌کنند و افکار متنوع است؛
- ۵- توقع نداشته باشیم همه عقاید صحیح و رفتار کامل متناسب با اوامر و نواهی دینی باشد: سر رحمانیت؛

۶- ما با غرب به صورت کل یکپارچه طرف نیستیم، بلکه با غربیان روبرویم: مخلوطی از اندیشه‌ها، هنرها، فنون و صنایع و سیاست و آداب؛

۷- نظریه تکامل معرفت دینی: شریعت قدسی و جاودان است، اما فهم شریعت بشری، خاکی و متغیر است؛

۸- دین عصری: باید فقیه و اسلام شناس عصر خود بود (نتیجه اینکه همه چیز مباح می شود).

۵- رسالت جهانی مبارزه‌ی بی‌امان با غرب و صدور انقلاب اسلامی؛

۶- نفسانیت، جوهر و حقیقت غرب است: هویت یکپارچه و باطل مدرنیته؛

۷- آزادی غرب آزادی صوری بشر خود بنیادانگار است که ملاکی جز عقل کارافزای هر روزی ندارد: تعلق تام و تمام به دنیا - ۱۳۶۴؛

۸- آزادی اسلام آزادی از ماسوی الله است که اگر مردم به آن برسند، راه نفوذ هر استبدادی سد می شود.

۴-۲- پسانوگرایی

در تألیف با دین‌گرایی، رضا داوری، پسانوگرایی را مطرح می کند. مهم ترین نکات اندیشه او:

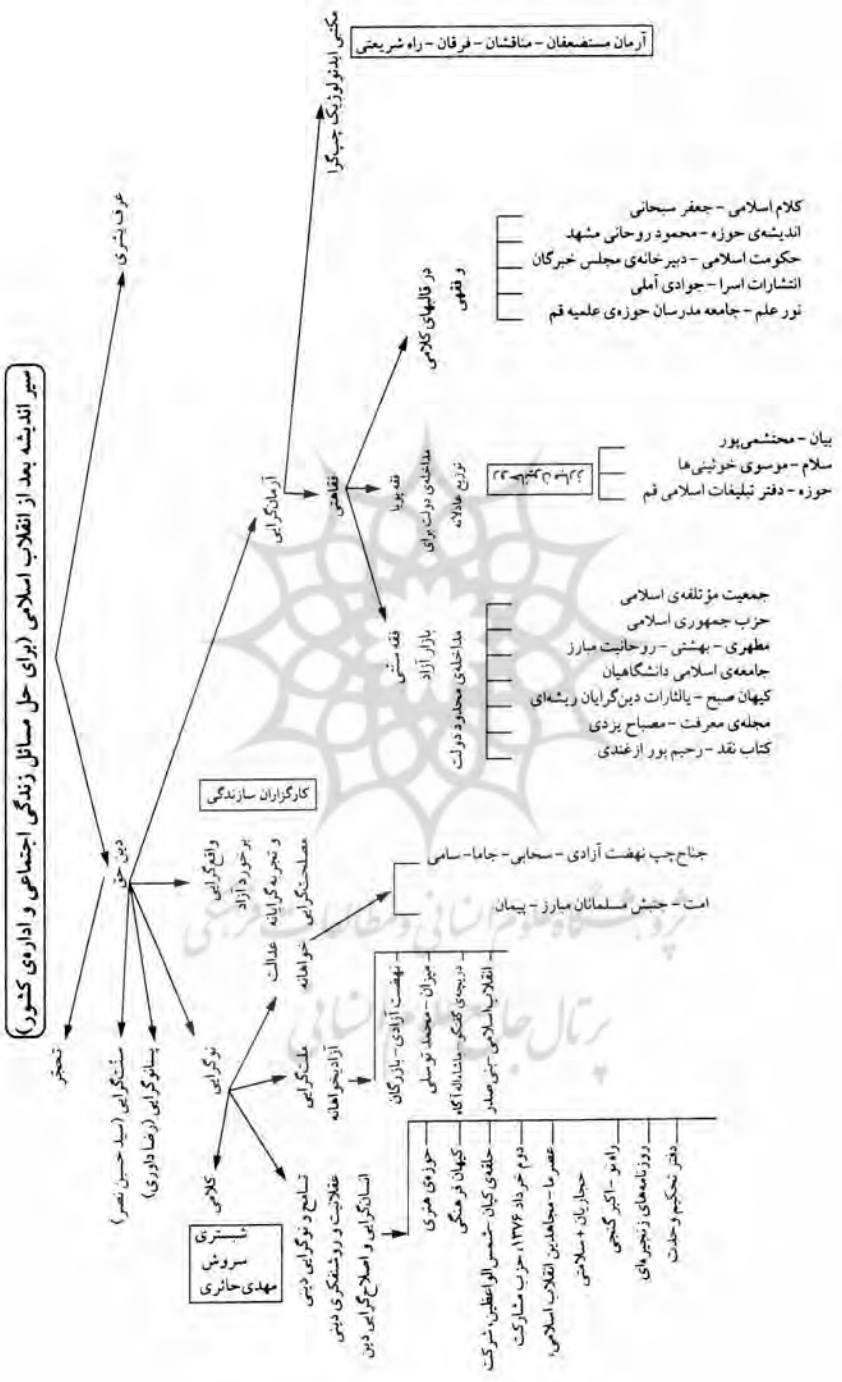
۱- تاریخ غرب، تاریخ نیست‌انگاری، تاریخ تحقق دنیا و از خدا غافل شدن است - ۱۳۶۳؛

۲- اساس دنیای غرب جدید بر تفرعن و استکبار و نفسانیت است؛

۳- مهم ترین اشکال غرب خرد آیینی و علم‌گرایی است؛

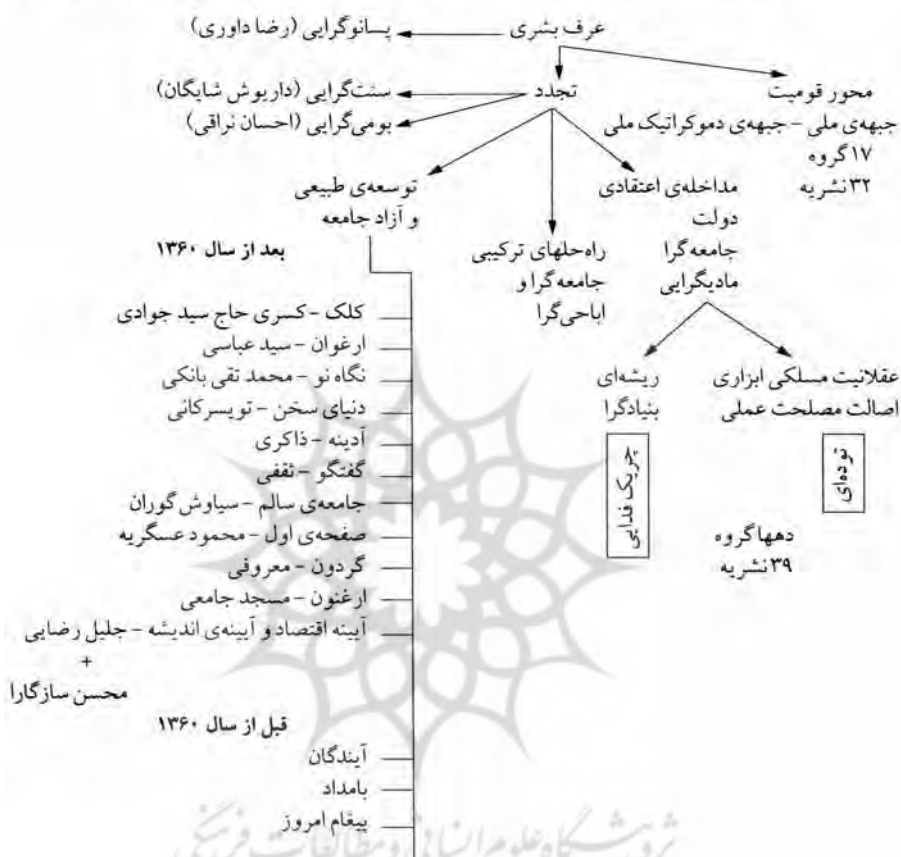
۴- علوم دینی راسعی کردند تابع به اصطلاح روش پژوهش علمی کنند تا فقه و کلام و معارف الهی بر طبق روشی که با حقیقت آن بیگانه بود تفسیر و مطالعه شود و به

سنت‌گرایی با بنیادگرایی متفاوت است: اسلام‌گرایی یعنی مرام سیاسی با روح مسلکی که در پی کسب قدرت برای اجرای فقه و شریعت در دنیای امروز است. اسلام‌گرایی مقابله‌ای با نوگرایی عرفگرا با الگوی غربی است. انقلاب اسلامی حاصل غلبه اندیشه اسلام‌گرایی بر عرفی‌گرایی بود. سنت‌گرایی مقوله‌ای فرهنگی است: نقد سنتی تجدید؛ جهان سرشتی قدسی دارد و انسان نیز نفخه‌ای از آن واقعیت غایی است؛ هنرهم قدسی است؛ طبیعت مجموعه آیه‌ها و نشانه‌هاست از واقعیت غایی.





سیر اندیشه بعد از انقلاب اسلامی (برای حل مسائل زندگی اجتماعی و اداری کشور)



در سنت‌گرایی، مطلق، جایگاه محوری دارد. انسان اول نماد مسئولیت است، بعد حقوق. عقل فقط به عقل استدلالی خلاصه نمی‌شود، عقل شهودی جایگاه رفیعی دارد. معرف سنت‌گرایی اسلامی، برای مثال سیدحسین نصر است که به ارائه مهم‌ترین نکات اندیشه او می‌پردازیم:

الف - علم مقدس

ارزش نیست، تفکر ارزش است. در سنت‌گرایی، صرف نوآوری ارزش ندارد، درک و بیان حقیقت اهمیت دارد.

۱- علم جدید اولاً تنها راه معرف و دانش نیست، ثانیاً باید در تحت فلسفه سنتی و

- الهی قرار گیرد؛ پیشرفت به مفهوم جدید آن (نقد زمان
- ۲- ضرورت رهایی از اصالت حس و تجربه (خطی)؛
- ۱۱- وحی نباید به تجربه عادی انسان تقلیل عقل عرفانی و وحی؛ داده شود؛
- ۳- انسان فقط این خود فرودین نیست، هستی اصلی آدمی، آن خود فرجامین است (روح که نفخه الهی است)؛
- ۱۲- راست دینی غیر از ظاهرگرایی دینی است (عمل کامل به دین تمام عیار برای رستگاری)؛
- ۴- زمان فقط زمان کمی و خطی نیست؛ زمان اصلی تر همان زمان سرمدی و مستدیر است؛
- ۱۳- صف مسلمانان سنتی از بنیادگرایان جداست (در قضیه پذیرفتن علم متجدد)؛
- ۱۴- جدایی علم جدید از امر قدسی و تقلیل معرفت به معرفت نسبی مادی و تاریخی.
- ۵- انسان تنها با عبور از دنیاگرایی، اصالت بشر و عقل باوری و تجربه گرایی است که به صلح و وحدت و آرامش می رسد؛
- ۶- در حکمت جاودان، خرد انسان تنها ذهن نیست، بلکه وجودی دارد که می تواند با آن رو به خدا آورد (دین حقیقتی فراتاریخی است)؛
- ۷- نفی نسبیت و تکثر دینی بی ضابطه عصر جدید؛
- ۸- اصالت فرهنگ شرقی در مقابل فرهنگ متجددانه غربی و عدم امکان ترکیب آن دو؛
- ۹- سنت ناتوان از تولید علم جدید نبود، بلکه اساساً نمی خواست چنین علمی ایجاد کند؛ توجه به جنبه های قدسی و معنوی طبیعت؛
- ۱۰- مخالفت ریشه ای سنت با اندیشه
- ب- نه روشنفکری وارداتی، نه چشم بستن به دنیای جدید، بلکه تفکر سنتی و تعامل خلاق و نقادانه آن با اندیشه های جدید عرفی.
- ج- تداوم حکمت سنتی از ایران پیش از اسلام تا بعد از اسلام.
- د- ترسیم تمدن غربی به صورت خروسی که سرش بریده شده است (غرب شناسی انتقادی به جای غرب ستیزی انفعالی).
- ه- دفاع از جوان مسلمان در مقابل صور مختلف هجوم فرهنگی غرب.
- و- دموکراسی شکل آرمانی حکومت در همه جا نیست (نفی اصالت رأی).
- ز- معرفی الهیات زیست بومی به عنوان تنها راه برون رفت از فجایع محیط زیست.